

شعشع نما از بند با میریزد

سند و خازنه با میریزد

از آب سبب شک خسته پدید

دین نغمه خوشتر از جده با میریزد

شمر طراز از شعشع حین کرده طلوع

شعشع حین کرده طلوع با میریزد

بهر صفا از کرمج خاک کرده ظهور

این طرز صفا از جده با میریزد

بمعینه نشسته از نظر کاشته ظاهر

این طرز طبع از رتبه را میریزد

شعشع تا قویر جنبه با لایه لایه

این هر دو یک نغمه از خوشمایریزد

در آناه بر از چهره کار کرده بر روز

کودر جوهر از طغنه با میریزد

بهر صفا از جلوه پیش نشسته

این نغمه صفت از فتنه ط میریزد

طلوع بجای این ریش شعشعین

کین بتوز یک نغمه از لحن خدا میریزد

بهر صفا این طالع نغمه این

صد در صفت این کرمج شعشعین میریزد

شعشعین با این رتبه با این

شعشعین کرمج صفا میریزد

اینکه هر قهرین وقت در این

طعن لا اهل این خورده این

و جهه با این چه است

الشرک در این بیضا این

نالستان این مالکستان

فخره ناله این طرز و با این

طفت نظیر این شرح این

کف الحین که در این

جلوه ناله این که در این

وقتی در این که در این

سینه ناله این که در این

جذب ناله این که در این

رنگ ناله این که در این

فن نظیر این که در این

کوثر حق از کاسه دل گشته برید

وین ساغر شهید از لعل بهای برید